

آفتاب
دولت‌شسته
<div><div> </div><div>مشکلات مسئله</div></div> <div><div> </div><div>نیستند مسئله این است!</div></div>
<div><div> </div><div>امیرحسین ذاکری</div></div> <div><div> </div><div><i>روزنامه‌نگار</i></div></div>

در مقاله‌های دکتر داوری اردکانی گفته‌اند: ایران پر از مشکل است اما مسئله ندارد. چگونه مشکل داریم اما مسئله نداریم. البته یاد دیاوگی از فیلم "مهاهو" افتادم که می‌گوید: " آدمی که مشکل نداشته باشد آدم مرده است". پس من زنده‌ام چون مشکل دارم. اما کشور را چه خوب یا بد به عهده بگیرند. اما

وی می‌گوید: همه باید مسئولیت وضع کشور را چه خوب یا بد به عهده بگیرند. اما چند نفر حاضر شدند مسئولیت حرف‌ها، کارها یا شوربای مدیریتی‌شان را قبول کنند؟ دوست اهلی تله پاتایم تماس گرفت و گفت: حتی می‌نشود به یک مسئول نزدیک بشی حتی با نوشتن به نقدا می‌خوای مسئولیت مشکلات را قبول کننند؟ راستی تو فکر می‌کنی چطور میشه ایرانی ساخت که ایرانیان دوست داشته باشند؟ این جناب اردکانی گفته: چگونه می‌توان ایرانی ساخت که ایرانی‌ها دوست دارند. تو میدونی ؟ لابد توی فرنگ زده عزیزه معتقدی ایرانیان دوست دارند جزیره کیس مثل جزایر قناری بشه. ای مرگ بر تو ای سیل بر تو. اما از جدی رد کرده می‌دونی مسئله این است بودن یا نبودن؟ بودن یا نبودن مطالباتم. اما به قول ایشان باید امید داد. پس دلواپسان جای دلواپسی نیست! مشکل داریم اما مسئله نداریم. تازه وی گفته : اکنون کشور بیش از هر زمان به تذکر تاریخی و خودآگاهی ملی همنوایی دولت و دانشمندان و صاحب نظران و اصحاب قلم نیاز دارد. بنده عرض می‌کنم: اری بلیاید هم‌نوایی کنیم همدل بشیم .ببینم چه گلی به سر کنیم. دست به کاری بزнім که غصه سرآید. در ضمن بحث مشکلات و مسئله و .. شد یک منولوگ از نمایش " هملت " نوشته شکسپیر، تقدیم می‌گردد:

آه، ای آدم‌های عاقل، ای تریبون‌داران در اندیشه‌های شما چه جشنی به پاست که مطالبات مرا به هیچ می‌انگارید. آیا بایسته است خزعبالتنویسیم‌ا را به تازیانه تسخیرهای شما بسپارم؟ چگونه به دلواپسی‌ها و هزاران هراس طبیعی و غیرطبیعی که من وارث آنم پایان دهیم ؟ با خوابیدن یا مردن؟ مسئله این است. چرا عمر سختی‌ها آنقدر دراز است. شود؟ ای عمر هویج و خیار دراز یاد چرا آنقدر بهای آنها هم همچو قدشان دراز گشته است. در حالی که روز به روز تازیانه مصاب مرا خمیده و قامت را کوتاه‌تر می‌کند. وقتی خیار هویج و پیاز و ... مسئله می‌شود وای به مسائل دیگر. مسئله این است!

آفتاب
نقد فرهنگی
<div><div> </div><div>دیوار</div></div> <div><div> </div><div>اشک‌ها و لبخندها</div></div>
<div><div> </div><div>جبارآذین</div></div> <div><div> </div><div><i>منتقد</i></div></div>

اهانت اجتماعی؛ حاصل تیانی مافیا وسازمان سینمایی(!) برخی سرکرده‌های سینما که انحصار و یکه‌تازی را در سر تاسر سینما گسترش داده‌اند، با یاری عوامل خود در سازمان سینمایی که به جای سینما و فرهنگ و مردم،به جیب خود، خدمت می‌کند، نوروز اسمال فیلمک سطحی و اهانت‌آمیز اجتماعی "رحمان هزاروقهارصدا" را بر پرده ارکان مافیازده سینمای کشور گذاشتند، تا توانستند برای آن تبلیغ کردند و سالن نمایش و سرگروه تراشیدند تا کیسه خود را پرتر کنند. این فیلم‌ک که با سوءاستفاده از نیاز مردم به شادی و امید و پوشش دروغین طنز اجتماعی تولید شده است، به دلیل صحنه‌ها ویدیالوگ‌های خلاف ادب و اخلاق و انسانییت، واکنش‌های مخاطبان و به موازات آن برخی مسئولان و خانواده‌ها را به دنبال داشته است. تا جایی که سازمان به ناچار در نهایت اعلام کرد که نسخه درحال نمایش فیلمک متوقف شد. این موضعگیری اغواگرانه، دیرهنگام وخواب‌آلود سازمان، آن نقطه نامانگار نتوانسی و ناکارآمدی آن در امور نظارت بر سینما، تولید و ارکان فرهنگی کشور است، چرا که هیچ‌کس باورندارد، فیلمکی تا این حد پائیند به سطحی از زیرنگاه چند مدیر (و! ناظر!) عبور کند و همانگونه سرر از ارکان درآورد. درواقع مسئله، همان زود خراج بیت المال است. افزون براین، دیگری که قبل از ارکان عمومی، این فیلمک را به طور خصوصی دیده‌اند و در میانشان هم برخی مسئولان حضور داشته‌اند، چرازودتر و قبل ازمسئومیت فرهنگی جامعه، از خود واکنش نشان ندادند؟ انحصارطلبی در سینما و جامعه،نتیجه غفلت که نه، معامله عزت و آبرو و فرهنگ جامعه، توسط جماعتی از نامدیران سینمای کشور و حامیان اقتصادی و سیاسی آن‌ها با پول و زور و زور و تزویراست!



- آذان ظهر ۱۳:۰۴
- آذان مغرب ۱۹:۵۷
- آذان صبح فردا ۵:۰۱
- طلوع آفتاب فردا ۶:۰۳

سوپاپ ...!

سلسله یادداشت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، فکاهی، «مارکو گامبارو» پیرمرد مشغوری ...!

جواد آنکاپون، ملی چش قشنگه، دکتر جیم و جنبش پابرهنگان ...!

شما که غریبه نیستید. یک چند روزی هست که فکرم مشغول یک مسئله خیلی مهمی است. نمی‌دانم مصلحت هست این مسئله خیلی مهم را با شما در میان بگذارم یا نه؟! البته من و شما که خدا و بی‌همبری چیز پنهانی با هم نداریم، حالا ممکن است شما چیزی‌های مخفی زیادی داشته باشید که من از آن بی‌خبر باشم که صد درصد همینگونه است اما من هرچه دارم و ندارم در طبق اخلاص گذاشتم‌ام و دو دستی تقدیم شما نموده‌ام. حتی گاهار ازاهای مگویم را – تا آن جا که مصلحت ایجاب کرد– به شما گفتم‌ام. الان هم طبق رویه پیشین عمل می‌کنم و این مسئله را هم با شما در میان می‌گذارم. ان‌شالله که با کمک و همفکری شما عزیزان به یک نتیجه درخوری برسم و از این آشفتنگی روحی و روانی رهایی یابم.

برخلاف شما و برویج اتاق فکر سوپاپ که رفتید سفر، تعطیلات عید ترکاندید و حسابی خوش گذراندید، سرم کلا توی گوش‌ی بود و اخبار مربوط به سیل را لحظه به لحظه دنبال کردم و تاسف خوردم به حال و روز مردم کشورم و پاره‌ای از مسئولین شما عزیزان که بر مناصب و کرسی مدیریتی تکیه زده‌اند ولی القیاسی مدیریت را بلد نیستند و گاه تصمیمات بیگانه و خلق‌الساعه می‌گیرند. به واثه من در تمام این بیست روز فکر و ذکرم سیلاب و زندگی روزمره مردم بود که به واسطه عدم تدبیر مسئولین بر آب و باد فنا رفت ...! تعطیلات که تمام شد، بچه‌های اتاق فکر را یک جا گردآوردم و با آن‌ها مشورت کردم و گفتیم: دوستان دیدید سیل با مردم ما چه کرد؟ مسئولین را دیدید که چه ناشیانه شواف رفتند؟! دوستان گفتند: بله بله دیدیم جناب گامباروا من غمگینامه گفتم: خب رفقای جان، حال ما چه کنیم و چگونه ناصالحان را رسوا سازیم ؟! دوستان گفتند: ما دراین زمینه حرف چندانی برای گفتن نداریم، خود شما چه نظری دارید استاد؟ گفتم: خنگ‌ها! مثلا اعضای اتاق فکر سوپاپ شما هستید، الان من چیزی نیاید بگویم بلكه این شما هستید که باید بگویید الان استادان مارکو گامبارو چه باید کنند؟ دوستان آنکاری تازه دوزاری‌شان جا افتاده باشند یک آهان اهانی گفتند و رفتند توی فکر...

گفتم: چنگد کلاه دیکتاتوری به سر نهاده و هرآنچه جلوی پایش باشد را بی‌رحمانه سرکوب می‌کند. در کنار اتفاقات تلخ آیا این سیل توانسته است که از گل آب‌آلودش ماهی بدهد؟ یا چیزی جز مرگ به آستین خود نگرفته است؟ آب سیل هرقدر که گل آلود است اما شفاف‌سازی کرد. برخی پیام‌ها را با صراحت تمام گفت و از رازهای پرده برداشت. ما در این مدت و درست وقتی که صدای ناقوس "جنگ آب" از گوشه و کنار جهان به گوش می‌رسد هنوز هم در مدیریت آب اندر خم یک کوچهایم و انگار همان‌طور که با پمپاژ پول نمی‌توان اقتصادی بیمار را شفا داد، با "پمپاژ آب" هم نمی‌توان نسخه‌ای شفایبخش برای وضعیت آبی کشور نوشت. فرقی هم نمی‌کند که انتقال

آب از دریاچه و دریا یا شمال و جنوب به صورت زمینی یا با بارورسازی ابرها به صورت آسمانی باشد. هر روش از آنجایی که گویا ظرف آبی کشور ترک‌های سختی برداشته منظرف خود یعنی آب این کالای استراتژیک را درون خود خفه می‌کند. در مورد امداد با وجود تلاش‌ها و خون دل خوردن‌های امدادگران چطور می‌توان انتظار داشت در شرایط عادی که سیستم توزیع کالا اشکال دارد، که متولیان امر از جمله رئیس جمهور محترم به آن اذعان داشته‌اند، می‌تواند در شرایط بحران که یکی از پیامدهای آن آشفتنگی است پاسخگوی مردم باشد. سیل

تاکنون چند نفر را عاشق و روانه قبرستان کرده است در تایید صحبت‌های جواد آنکاپون گفت: دقیقا، من هم با آقای آنکاپون موافقم! این بهترین کار ممکن است. شما کار شناسایی را انجام بدهید ما فضای مجازی را می‌ترکانیم و کاری می‌کنیم سوپاپ در شبکه‌های فراملی هم دیده شود. من خشمگین شدم و آمدم بگویم ملی جان شما که بی‌حرف و حدیث با آن لنزی که در چشمان‌تان گذاشته‌اید کل فضای مجازی را ترکند‌ه‌اید و ...اما دلم نیامد این قوی زیبا نازک نارنجی از من زنجیده خاطر شود و از اتاق فکر ما بیرون برود لذا سکوت کردم و لختی به سخن مان بیشتر اندیشیدم.

یاد کارتون مینتی کومان، داداش کایکو، تسوکه، سه‌گارو و زمبه افتادم. خودم را تصور کردم در حال سفر کردن شهر به شهر و رسوا کردن مسئولین بی‌کفایت و کف و دست و جیب و هورا و لایک‌های فراوان مردم در فضای مجازی و انعکاس آن در شبکه‌های فراملی و ... اعتراف می‌کنم در ابتدا خیلی خوش‌خوشانم شد اما بعد که کمی بیشتر فکر کردم متوجه شدم بی‌متی کومان حتی اگر بر اساس یک رخداد واقعی ساخته شده باشد مربوط به قبل است. لذا باکل قید این پیشنهاد زدم و از دردرسه‌های این کار، گفتم:درست در همان دقایقی که همه مایوس از یک تصمیم بخرده‌نامه بودیم به ناکاه دکتر جیم همچون ققنوس از خراب‌های فکر معیوب ما برخاست و گفت: استاد شما باید تفکر پابرهنگان را بر اساس اسلوب فکری گاندی راه بیندازید. حرف گاندی که شد من خیلی کیف کردم.دکتر جیم اگر چه بازرس بانک بود اما در این زمینه‌ها یک با عقل کل بود . نگاهی به دکتر انداختم، از او خواستم تا کمی بیشتر توضیح بدهد. دکتر با اشاره به پیروزی درخشان نهضت گاندی در هندوستان از من خواست تا به شیوه مهاتما عمل کنم و جنبش پابرهنگان را برای شناسایی مدیران نالایق راهاندازی کنم. وی تاکید کرد این اندیشه را محدود به اتاق

فکر سوپاپ شما هستید، الان من چیزی نیاید بگویم بلكه این شما هستید که باید بگویید الان استادان مارکو گامبارو چه باید کنند؟ دوستان

آخر فربه بودن برخی ساختارها و اختیارات موازی را فریاد زد. اطلاع‌رسانی هم مشکل دیگری بود که به لطف سیل غبار آن کمی زوده شد تا نیاز به آموزش همگانی، رسانه‌های حرفه‌ام در زمینه بحران و البته مسئولانی که در بحران‌ها بداندند حرف‌هایی که می‌زنند قرار است چه کند، بیش از پیش واضح شده، برای مصداق در مورد سیل خوزستان و تخلیه چهار شهر که در کنار رود کرخه قرار دارند، در یک روز چند سخن متفاوت از رده‌های مختلف از فرماندار معین تا استاندار و وزیر کشور بیان نمودند که همه منجر به ایجاد ابهام در مورد وضعیت سیل شد که پیامد آن بالطبع جز آشفته بازاری که نمایان است نبود. یا در مورد سیل گلستان و مازندران کلیپها و گزارش‌ها گاهی موجب عدم اطمینان از وضعیت فعلی و ایجاد حس نگرانی برای مسئولان درگیر از وضعیت فعلی و ایجاد حس سلی می‌شد. سیل اخیر دیواره پرش‌هایی اساسی در مسئله سلبریتی‌ها و ورود آن‌ها به مسائل مختلف همچنن در مورد به کارگیری متخصصان مدیریت بحران و توجه به برنامه‌ریزی‌های کلان مطرح کرد که پاسخ به هرکدام می‌تواند

از حجم بحران‌های بعدی بکاهد. مسئله‌ای که امید می‌رود تا بحران بعدی به فراموشی سپرده نشود.



مظروف خود یعنی آب این کالای استراتژیک را درون خود خفه می‌کند. در مورد امداد با وجود تلاش‌ها و خون دل خوردن‌های امدادگران چطور می‌توان انتظار داشت در شرایط عادی که سیستم توزیع کالا اشکال دارد، که متولیان امر از جمله رئیس جمهور محترم به آن اذعان داشته‌اند، می‌تواند در شرایط بحران که یکی از پیامدهای آن آشفتنگی است پاسخگوی مردم باشد. سیل

روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی

آفتاب

نشانی الکترونیکی روزنامه: aftab.yz@gmail.com
سامانه بانک آفتاب بزد: ۲۰۰۰۱۴۱۴۲۷

عضو انجمن روزنامه‌های غیر دولتی- تعاونی مطبوعات- انجمن مدربران رسانه توصیه می‌شود در خصوص برخی آگهی‌ها تحقیق لازم صورت گیرد

راهکار

چشم‌ها را باید شست ، جور دیگری با ید دید

• رامین نخستین انصاری
روزنامه‌نگار

شواهد نشان می‌دهد که اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در معرض مشکلات جدی هستند به عبارتی محبوبیت و مقبولیت آنان در میان مردم از بین رفته است . پس از شکست رئیسی در انتخابات ریاست‌جمهوری ، اصولگرایان دچار اختلاف و به دو جناح اقلیت میانه‌رو و اکثریت رادیکال تقسیم شدند. کنارگیری قابلیاف به نفع رئیسی و سکوت معنادار وی تمرکز اصولگرایان بر نقاط‌های متضاد و دال بر جنگ پنهان این جریان فکری در کلاس درس است. اصولگرایان همچنان به منطق مبارزه و نادیده‌انگاشتن پدر معنوی و دال بر جنگ فکری حاکم بر کشور با همان اصول‌ها ادامه می‌دهند. همه چیز در فراموش کرده و فقط به دنبال آسیب رساندن به اصلاح‌طلبان هستند . آنها نمی‌توانند به راحتی با فریادهای محدودیت و... به حذف معنوی اصلاح‌طلبان امیدوار باشند. باید تجزیه و تحلیل عملی ارائه دهند. آنها باید یک مخالفت ایدئولوژیک و مبتنی بر ایدئولوژی برای کنار گذاشتن اصلاح‌طلبان پیشنهاد کنند که تا به امروز قادر به تحقق آن نبوده‌اند. طبق این روایت اصولگرایان در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری دست بالا را نخواهد داشت. الا این‌ که همه آن‌ها کاری کنند بار دیگر دست و پای اصلاح طلبان و... ببندند. آنها باید با یک مانیفست جامع و علمی و همگام با آراء و اندیشه مردم ارائه دهند که این واقعبیت دور از دسترس است. از زمان روی کار آمدن روحانی بر مسند ریاست قوه مجریه ، مخالفت و سنگ‌اندازی با رئیس‌جمهور در قدرت یک معدن طلا برای اصولگرایان بوده است و عدم همراهی با مردم و نا کارآمدی مدیران و عدم تحقق وعده‌های انتخاباتی روحانی و بی‌مهری با مسببان پیروزی وی در انتخابات ، اتوبان

آفتاب

آزایه

مهربانی زبانی است که ناشوا می تواند بشنود و کور می تواند ببیند

<div><div> </div><div>مارک تواین</div></div>

آفتاب

مواظب باشیم تا سیل زانمان را نبرد...

• مریم اکبری نوشاد

نوروز اسمال وقوع سیل در شمال، غرب و جنوب کشور قلب‌هایمان را دردم‌کوبید. در روزهایی که باید از شروع سالی جدید دلشاد می‌شدیم با دیدن تصاویر و شنیدن اخبار سیل بی‌سابقه در نقاط مختلف سرزمینمان دلمان رنجید، اشک ریختیم و شادیمان از بارش باران با بارش اشک چشمانمان در سوگ مردمی که عزیززی از دست دادند، مال باختند و زندگیشان ویران شد از بین رفت.

به قدمت تاریخ بشریت بوده و هست اما خوشبختانه پیشرفت علوم، فنون و امکانات بشر را قادر ساخته تا در مقابل این بلا یا آسیب نبیند یا حداقل آسیب کمتری ببیند.دیگر این روزها همه فهیم‌دیم که ساختن بی‌رویه و غیراصولی سد‌ها، قطع انبوه درختان، ساخت و ساز در مسیر مسیل‌ها همه و همه می‌تواند بارش رحمت الهی را تبدیل به فاجعه‌ای آندوهناک نماید. هدف این نوشته تکرار مکررات نیست. همه می‌دانیم که چقدر خانواده دچار آسیب شدند.

چه مردانی که مال و زندگیشان را آب برد و خانه‌هایشان ویران شد و مزارعشان زیر آب رفت. اما هدف من از این نوشته زنان هستند. بله زنان و دخترانی که‌نوروزشان پیروز نشد! زنان و دخترانی که‌هفت‌سین‌هایشان زیر آب رفت. لباس عیدشان گل آلود شد و بی‌خانه و زندگی شدند. در این ایام مدام شاهد حضور اقشار مختلف چه نظامی و چه غیرنظامی در بین‌سیل‌زدگان بودیم.همه دست به دست دادند تا م‌رهمی باشند بر زخم لاینتاهی مردمی که قهر آب سرنوشتشان بود.اما در این میان حضور زنان مطرح در عرصه سیاست اعم از نمایندگان مجلس، شوراهای شهر و مشاورین ریاست‌جمهور و ریاست سازمان‌ها در بین سیل‌زدگان بسی اندک بود.

آفتاب

دیالوگ



تو چه دانی که در پس هر نگاه ساده من چه جنونی چه نیازی چه غمی هست؟

بانوی عمارت
عزیز الله حمید نژاد

هشت بانده‌ای را برای هجوم اصولگرایان به وی فراهم شده است. اصلاح طلبان نیز به جای تلاش برای پلنفرم مشترک ، با یکدیگر مخالفت می‌کنند . اصلاح‌طلبان نمی‌خواهند یک موضع واحد را در قبال سیاست‌های داخلی و خارجی و عملکرد رئیس‌جمهور در پیش بگیرند و از این به بعد هیچ صدای دمکراتیک از اصلاح‌طلبان شننیدن نخواهد شد و هیچ موقعیت دموکراتیکی برای آنان نیز وجود نخواهد داشت و مردم نیز کاملاً از موضع‌گیری و عملکرد اصلاح‌طلبان ناراحت و عصبانی هستند. در واقع خود با دستان

خویش این امر مهم را یادآور می‌کنند دیگر نیازی به اصلاح طلبان نیست و مردم دیگر از ما حرف‌شنوی نکنند. امروز هیچ یک از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان برنامه منسجمی از خود ارائه نمی‌دهند و تماما مانیفست هر دو جریان فکری حاکم بر کشور با همان شیوه‌های انتخاباتی سال‌های قبل ، علیه هم جوسازی و افشاگری‌های مرتبط با فساد اقتصادی و .. علیه هم مبارزه می‌کنند . راست‌ها و اصلاح طلبان هرگز به گذشته عقبه شده‌اند نگاه نمی‌کنند و از خطاهای اشتباهات گذشته درس نمی‌گیرد و همان‌طور که تاریخ نشان می‌دهد که هر دو جریان حتی با هم متحد نیز نیستند و تمام انرژی خود را برای خراب کردن وجهه هم به کار می‌برند و از این‌ به بعد بعید به نظر می‌رسد یکی از این‌ دو جریان و میانه‌روهایی امثال روحانی آوزند. متأسفانه این یک واقعبت غم‌انگیزی در صحنه سیاسی کشور است که مردم نمی‌توانند دیگر به هیچ‌یک یک از آنان اعتماد کنند. مردم از فساد و گرانی، بیکاری، فقر و افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها و افزایش اختلاف طبقاتی و اختلاف‌های میانجی‌رادی و ناکارآمدی مدیران سودجو و ... خسته و گلاجه‌مند شده‌اند. لذا برای جلب اعتماد مردم چشم‌ها را باید شست ، جور دیگری باید دید.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری
سر‌مدیر:سید علیرضا کریمی
تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام‌فرهانی (به سمت هفت تیر)
کوه ۲۶ پلاک ۱۰ طبقه اول واحد یک
امور آگهی‌ها: ۰۹۱۲ ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۰۹۱۲
تلفن: ۰۸ - ۸۸۳۲۱۲۹۷-۸
نمابر: ۸۸۳۲۱۲۹۹-۴۴۵۴۵-۷۶-۷
تلفن: ۰۹۱۲۸۱۹۷۸۲-۰۹۱۲۸۱۹۷۸۲
دفتر مرکزی بزد: بلوار ۲۲ بهمن، تلفنکس: ۰۲۵-۳۵۲۴۶۹۱۹-۰۲۵
مقالات و نوشتارهای ارسالی به روزنامه افتخاری بوده و در صورت عدم چاپ مسترد نمی‌گردد

سه‌شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۸ | 16 April ۲۰۱9 | ۱۰ شعبان ۱۴۴۰ | **اسال ۲۱ شماره ۵۴۳۲**

آفتاب

فشن یک سیاسی

روزنامه آفتاب یزد در نظر دارد هر روز در این ستون بخشی از خاطرات سیاسیون برجسته کشور را به چاپ برساند. این سلسله خاطرات را مرحوم **اکبر هاشمی‌فسنجانی** از مسئولان با سابقه‌نظام‌انامه می‌دهیم. او زاده رفسنجان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، نماینده تهران در مجلس خبرگان رهبری و رئیس هیئت موسس و هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی،پوه‌هاشمی همچنین اولین رئیس مجلس شورای اسلامی و چوهمین رئیس جمهور ایران در دو دوره پیاپی بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ بوده و به عنوان یکی از نفوذترین شخصیت‌های سیاسی‌نظام‌شناخته‌می‌شود.

ناراحتی نمایندگان از کشیده‌شدن اختلافات وززابه‌صحن مجلس

سه‌شنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۲

به مجلس رقتم. قبل از دستور، آقایان نمایندگان، سخنرانی‌هایشان با نصایح و مواضع امام، سازگار نبود و اظهارات را مخالف دستور اسام خواندم. گروهی موافق و گروهی مخالف بودند. تقسیمات کشوری تمام نشد؛ خیلی وقت می‌گیرد. آقای آقازاده وزیر مشاور هم وقت گرفته بود و کارهای اسناد بزرگ اقتصادی را توجیه کرد و به اظهارات آقای عسگرآولادی وزیر بازرگانی به طور ضمنی جواب داد . بعضی از نمایندگان از کشیده شدن اختلافات وززابه با مجلس ناراحت شدند.

ظهر آقای هادی نماینده تهران و آقای دکتر حسن روحانی نماینده سمنان آمدند، راجع به وزارت بازرگانی و صدا و سیما و نهضت‌های زارت آب‌بخش و ... صحبت کردند. عصر آقای نعمت‌زاده وزیر کار اسبق که در صنایع نظامی است، آمد. گزارشی از وضع صنایع نظامی داد و لزوم توجه بیشتر را خواست و راجع به ساختن موشک و مواد انفجاری و باروت گزارشی داد. آقای مهادی‌مدرسی آمد و از بی‌بندوبی و بی‌تکلیفی نهضت‌های آزادی‌بخش، ناراحت بود؛ مرجع مشخصی نداشتند و گفت، حدود ۳۰۰ ظلیه خارجی در تهران، زیر پوشش دارد و هر ماه حدود نیم میلیون تومان علاوه بر مسکن و محل تحصیل خرج دارد؛ گفتم در لایحه دانشگاه بین‌الملل، چنین برنامه‌ای باید گنجانده شود . در قم هم پانصد نفر داریم؛ مبلغی جزئی پول هم برای افطاری آنها دادم.

دکتر مهدی غرضی، مسئول سازمان تأمین اجتماعی – با گروهی از همکاران – آمد و گزارش مفصلی داد. هر سال حدود بیست میلیارد تومان دریافتی دارند و حدود سیزده میلیارد تومان پرداخت و هفت میلیارد تومان پس‌انداز که رفته رفته بازنشسته شدن کارگران – که آهنگش روزافزون است – مصرف زیاد می‌شود. دکتر رهنا آمد و گزارشی از وضع تعمیر مازهای ارتش داد.

دو نفر از معلولان قطع نخاعی آسایشگاه نازاله ناراحت بودند و انتقادهایی داشتند. گفتند حدود ۶۰۰ معلول آسیب نخاعی داریم. شب در مجلس ماندم. تلفنی با منزل صحبت کردم؛ فاطی را به خانه آورده‌اند و حالش خوب است.

چهارشنبه ۱۵ تیر ۱۳۶۲

جلسه علنی داشتیم؛ چند لایحه تصویب شد. ساعت ده صبح به دفتر رئیس‌جمهور برای بحث در رفغ گرانی رقتم و با شورای عالی اقتصاد و افراد مسئول دیگر، چند ساعت بحث کردیم؛ بحث ادامه دارد. عصر، هیئت‌رئیس‌مجلس جلسه‌داشت.افطار ارهمان نخست‌وزیر بودیم. جمعیت زیادی از سران اجرایی کشور و نظامی‌ها و مسئولان ارگان‌های انقلابی حضور داشتند. در حین افطار خبر دادند که هواپیمای جمیوچت حامل نزدیک به ۴۰۰ نفر مسافر – که امروز عصر از آسمان شیراز روده شده بود- در کویت به زمین نشسته است. بعداز افطار در دفتر رئیس‌جمهور با حضور آقای معادیخواه، برای تأسیس بنیاد تدوین تاریخ انقلاب جلسه داشتیم؛ به جای رسیدیم. آخر شب به خانه آمدم. محسن و همسرش اعظم از فرزند محمد سالاری را که به خاطر طلاق خانم آمریکایی‌اش، به ایران اعزام شده بودند، آوردند. طفلک‌ها غریبندو زبان فارسی نمی‌فهمند. آقای عبدالکریم شرعی نماینده داراب از قلم تلفن کرد و از وجود آقای سعید منیرالدین حسینی در میان مسافران هواپیمای ر بوده شده، ناراحت بود. به همین گفتم، ناراحت نباشید، با نظرات اقتصادی‌یشان، اقتصاد آنها را زیرسوال می‌برند و ناچار تحویلشان می‌دهند. از حادثه تلخ روده شدن هواپیما، ناراحت و عصبانی بودم...

بی‌نوشت:

۱- غلامرضا آقازاده وزیر مشاور و رئیس ستاد بسیج اقتصادی گفت: «معاون وزارت بازرگانی، طی تلفنگرامی به سراسر استانداری‌ها اعلام کرد که برای شرعی کردن، داد و ستد برنج از این تاریخ آزاد می‌شود.» وی افزود: «در جلسه شورای اقتصاد، تصویب شد که فقط وزارت بازرگانی، مسئولیت خرید و مجوز و کنترل برنج را از استان‌های گیلان و مازندران به عهده بگیرد.»

۲- در جلسه روز یکشنبه ۲۲/۵/۴۲ کمیسیون آموزش و فرهنگ و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، لایحه تأسیس دانشگاه بین‌الملل اسلامی ایران را مورد رسیدگی قرار داد. این لایحه در ۱۹/۱۰/۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.